

سرمقاله

اسفند کم جان سینما؛
آیا نوروز ناجی خواهد شد؟امیر افشارفوتوحی
دبیر تحریریه

وقتی دبیر شورای صنفی نمایش از مصوبات تازه درباره تقسیم درآمد فروش، بلیت شناور و برنامه ریزی برای اکران‌های آینده سخن می‌گوید و از تهیه‌کنندگان می‌خواهد درخواست‌های اکران نوروزی خود را ارائه دهند، در ظاهر همه چیز نشانه حرکت است؛ نشانه این که چرخ سینما هنوز می‌چرخد و تقویم اکران هنوز معنا دارد. اما پشت این خبر اداری و رسمی، نگرانی دیگری آرام آرام قدم می‌کشد؛ آیا سینما اصلاً می‌تواند تا نوروز، اسفند را سالم پشت سر بگذارد؟

واقعیت این است که فاصله میان «تصمیم‌نامه‌های شورا» و «واقعیت گیشه» هر روز بیشتر می‌شود. آن چه روی کاغذ به عنوان سیاست تنظیم بازار اکران نوشته می‌شود، در سالن‌های نیمه خالی و فروش‌های ناامیدکننده شکل دیگری پیدا می‌کند. هشدار برخی فعالان سینمایی درباره احتمال تبدیل شدن اسفند به یکی از کم‌جان‌ترین ماه‌های سینما، صرفاً یک پیش‌بینی بدبینانه نیست؛ بلکه نشانه‌ای از اختلالی عمیق‌تر در چرخه تولید، توزیع و نمایش است.

مسئله فقط فروش پایین چند فیلم نیست. مسأله این است که اقتصاد سینما به نقطه‌ای رسیده که حتی یک ماه رکود می‌تواند دومینوی خطرناکی ایجاد کند. وقتی فروش پایین می‌آید، سالن‌دار در ننگ داشتن سانس‌ها مردد می‌شود؛ وقتی سانس‌ها کم می‌شود، پخش‌کننده انگیزه تبلیغ را از دست می‌دهد؛ وقتی تبلیغ کم می‌شود، مخاطب کمتر خبردار می‌شود؛ و این چرخه معیوب، همان چیزی است که در نهایت به زمزمه «تعطیلی موقت سالن‌ها» می‌رسد.

از سوی دیگر، طرح‌هایی مانند بلیت شناور، هر چند در نظر به می‌تواند ابزار مدیریت تقاضا باشد، اما در شرایطی که اساساً تقاضا ضعیف است، بیشتر شبیه جابه‌جایی عده‌ها روی کاغذ است تا خلق مخاطب واقعی. قیمت‌گذاری شناور زمانی معنا دارد که مخاطب میان چند گزینه جذاب انتخاب کند، نه زمانی که اساساً انگیزه‌ای برای رفتن به سینما ندارد.

مشکل امروز سینما بیشتر از آنکه قیمتی باشد، اعتماد و جذابیت است. مخاطب تنها به دلیل ارزان تر شدن بلیت به سالن باز نمی‌گردد؛ او باید احساس کند فیلمی هست که ارزش وقت و هزینه‌اش را دارد، تجربه‌ای هست که در خانه قابل تکرار نیست، و فضایی هست که هنوز «رفتن به سینما» را به یک اتفاق فرهنگی تبدیل می‌کند، نه صرفاً یک مصرف سرگرمی.

در چنین شرایطی، فراهوان برای ثبت درخواست اکران نوروزی بیشتر شبیه اعلام امید است تا اعلام برنامه. نوروز همیشه ناجی سنتی گیشه بوده، اما حتی نوروز هم نمی‌تواند سینمایی را که در ماه‌های قبل نفس کم آورده، یک‌باره احیا کند. اگر اسفند بار کود جدی همراه شود، نوروز هم به جای فصل رونق، صرفاً به یک مسکن کوتاه مدت تبدیل خواهد شد.

سینمای امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تصمیم‌های ساختاری است، نه فقط تنظیم جدول اکران. مسأله اصلی این نیست که کدام فیلم در چه تاریخی روی پرده برود؛ مسأله این است که چرا مخاطب اساساً باید به پرده نگاه کند. تا زمانی که پاسخ این پرسش روشن نشود، شورا می‌تواند ده‌ها مصوبه صادر کند، اما صندلی‌های خالی همچنان رأی نهایی را خواهند داد.

شاید هنوز برای جلوگیری از سناریوی اسفند کم‌جان دیر نشده باشد، اما این نیازمند مواجهه صریح با واقعیت است. سینما نه با دستور اکران زنده می‌ماند، نه با بخشنامه قیمت. سینما فقط با مخاطب زنده می‌ماند؛ و مخاطب، چیزی نیست که بتوان او را مصوب کرد.

به نظر نگارنده یکی از اقدامات عملی، ایجاد یک «شک سینمایی» برای جذب مخاطب واقعی است و تصور این است در کوتاه‌مدت، اکران فیلم «قاتل و وحشی» ساخته حمید نعمت‌الله که نزدیک به ۵ سال توقیف بوده، می‌تواند همان جرعه لازم برای احیای اسفند باشد. این فیلم نه تنها شور و هیجان تازه‌ای به سالن‌ها می‌آورد، بلکه در کنار فیلم‌های هم‌تراز داخلی و همچنین اکران آثار پرفروش سینمای جهان در سالن‌های پایتخت و شهرستان‌ها، تجربه‌ای شیرین و جذاب برای مخاطب و اهالی سینما رقم می‌زند. با این ترکیب، گیشه اسفند زنده می‌شود و چرخه اکران نوروزی با انرژی مثبت و مخاطب واقعی آغاز خواهد شد.

و نجات گیشه تنها زمانی محقق می‌شود که مدیران سینمایی و تصمیم‌گیران و سیاستگذاران سینمای ایران حساسیت‌ها را کنار بگذارند و با شجاعت و درایت پشت تولیدات سینمای ایران بایستند.

«کارما» با موضوع
اهدای خون تولید شد

فیلم داستانی «کارما» به نویسندگی و کارگردانی کامبیز کرمی با موضوع اهدای خون تولید شده و آماده نمایش می‌شود.

این اثر با مشارکت داوطلبانه هنرمندان حامی پویش ملی اهدای خون و با هدف تقویت مسئولیت اجتماعی تولید شده است.

فیلم «کارما» داستان برش موازی سه زندگی را روایت می‌کند که اتفاقات و تصمیمات و رفتارهای آنها بدون اینکه بدانند یا با هم آشنایی داشته باشند در زندگی آنها اثر می‌گذارد. در این فیلم که موضوع فرهنگسازی اهدای خون و تأثیر آن در زندگی مردم را برجسته می‌کند برخی از چهره‌های شناخته شده هنر هفتم به صورت داوطلبانه و در راستای اجرای مسئولیت اجتماعی نقش آفرینی کرده‌اند.



مه‌

بازگشت احمد رضا درویش
پس از ۱۲ سال به سینما

احمد رضا درویش کارگردان شناخته شده سینمای ایران پس از ۱۲ سال دوری از فیلمسازی، با فیلم سینمایی «درخشش» به سینما بازمی‌گردد.

فیلم سینمایی «درخشش» محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که تهیه‌کنندگی آن را مهدی فرجی برعهده دارد و روایتی از مقاومت ملت ایران در برابر تهاجم دشمن به سرزمین کشور عزیزمان ایران است.

احمد رضا درویش از فیلمسازان شاخص در حوزه سینمای تاریخی و دفاع مقدس به شمار می‌رود که در کارنامه او ساخت آثاری چون «کیمیا»، «سرزمین خورشید»، «دوئل» و «رستاخیز» دیده می‌شود. «رستاخیز» آخرین اثر درویش پس از ۹ سال توقیف مجوز اکران آتلاین گرفت و در ۱۶ اسفند ۱۴۰۰ اکران آتلاین شد.



صباخیر

گفت‌وگو با بازیگران «زندگی کوچک کوچک»

از ماجرای چکمه تا معروفیت در سینما



«زندگی کوچک کوچک» به کارگردانی امیر تقفی نخستین بار در چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر به نمایش درآمد. بازیگران کودک فیلم در گپی با خبرنگار ایرنا، از چالش‌های خود در این کار و آرزوهای خود گفتند.

بهزاد حاجی‌زاده اظهار کرد: بعد از چهار و دومین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر که موفق شدم برنده شوم و جایزه بگیرم، تصمیم گرفتم مقابل دوربین و سینما و سریال بروم. در یک فیلم کوتاه ایفای نقش داشتم که پس از آن به عنوان نقش اصلی در فیلم سینمایی «زندگی کوچک کوچک» انتخاب شدم و بازی کردم.

او خاطر نشان کرد: بعد از تست و آشنایی با کارگردان، خبر انتخابم را که شنیدم بسیار خوشحال شدم. سر فیلمبرداری رقتیم و نقش قاسم را انتخاب شده بودم که خیلی دوستش داشتم. این نقش من را با سختی‌های زیادی مواجه کرد.

حاجی‌زاده می‌گوید: قرار بود برای اولین بار چکمه بپوشم و راه رفتن با چکمه برابرم سخت بود. حتی در خانه این چکمه‌ها را می‌پوشیدم و راه می‌رفتم تا بهتر ارتباط بگیرم. چالش دیگرم با عینک بود که باید خاکی و کثیف می‌بود و این کار دید من را سخت‌تر می‌کرد.

کچل کردم و این تجربه جالبی بود

یاشار چنآقچی دیگر بازیگر این فیلم هم گفت: نزدیک پنج سال است در تئاتر و تصویر کار می‌کنم. برای من، معروفیت و شهرت مهم بود. چندین کار کوتاه و تئاتر کار کردم و این بار در فیلم سینمایی «زندگی کوچک کوچک» بازی داشتم. پارسل هم در فیلم سینمایی «بچه مردم» ایفای نقش داشتم.

بازیگر فیلم تارانتینو
بر اثر جراحت گلوله جان باخت

پیتر گرین، بازیگر آمریکایی که با حضور در فیلم «داستان عامه‌پسند» شناخته می‌شد، بر اثر اصابت تصادفی گلوله درگذشت. پزشکی قانونی نیویورک اعلام کرد گلوله به زیر بغل چپ او اصابت کرده و پس از آسیب به شریان بازویی، موجب خونریزی شدید و مرگ شده است. این حادثه به عنوان مرگ تصادفی ثبت شد. جسد این بازیگر ۶۰ ساله حدود یک ماه پیش در آپارتمانش در نیویورک پیدا شد؛ پس از آنکه همسایه‌ها به دلیل پخش مداوم موسیقی، موضوع را به صاحبخانه و پلیس اطلاع دادند. گرین در «داستان عامه‌پسند» ساخته کوئنتین تارانتینو نقش نگهبان امنیتی را بازی می‌کرد و در سال ۱۹۹۴ نیز با ایفای نقش دوربین‌تایرل، شخصیت شرور فیلم «ماسک» مقابل جیم کری دیده شد. او در نزدیک به ۱۰۰ فیلم و سریال از جمله «شیک‌گو پلیس»، «هاوایی فایو-او»، «توجیه‌شده»، «تسلا» و «شهر دروغ‌ها» حضور داشت.



مه‌

بازیگر سریال
«آنا تومی گری» درگذشت

اریک دین، بازیگر نقش دکتر مارک اسلون در سریال «آنا تومی گری» و پدر کال جیکوبز در «سرخوشی»، درگذشت. او سال گذشته به بیماری اسکروز مبتلا شده بود و در طول مبارزه با این بیماری، مدافع پرشور آگاهی و تحقیق برای دیگران شد.

اریک دین، بازیگری را با نقش‌های کوتاه در سریال‌هایی چون «نجات یافته توسط زنگ»، «سال‌های شگفت‌انگیز» و «رزان» آغاز کرد. او در سال ۲۰۰۰ در سریال «گذرگاه گیدئون» و فیلم «سبد» حضور یافت و در آثار سینمایی دیگری مانند «مارلی و من»، «مردان ایکس: آخرین ایستادگی» و «آب‌های آزاد ۲» بازی کرد. در سال ۲۰۰۵ به عنوان دکتر مارک اسلون در «آنا تومی گری» ظاهر شد و تا فصل هشتم یکی از بازیگران ثابت بود. او همچنین در «آخرین کشتی» و «سرخوشی» شبکه HBO حضور داشت. آخرین آثارش شامل فیلم‌های «خط مرزی»، «به سوی زیبایی» و سریال‌های «بی‌سیم» و «کابل» است.



مه‌